

بررسی نحوه اثرگذاری رونق صادرات بر بیکاری طی دوره ۱۳۹۰-۲۰۱۷

در کشورهای جهان

فاطمه ابولیان، مهدی اکابری تفتی، علی آزادی نژاد

چکیده

تجارت خارجی به عنوان یکی از ابزارهای جهانی شدن، زمینه ساز رقابت بین المللی و مشارکت کشورها در فعالیتهای اقتصادی است. در جریان تجارت خارجی فعالیتهایی که از توان رقابتی برخوردار نباشد امکان بقا نداشته و صنایع با کارایی بالاتر به فعالیت خود ادامه می دهند. بنابراین اگر تجارت خارجی از طریق توسعه و رونق صادرات افزایش یابد به ایجاد فرصتهای شغلی دارای کارایی بالاتر منجر می شود. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش بررسی نحوه اثرگذاری رونق صادرات بر بیکاری کشورهای جهان می باشد بدین منظور با استفاده از داده های اقتصادی بانک جهانی کل کشورهای جهان طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۰ و بهره گیری از الگوی اقتصادسنجی داده های تابلویی ارتباط توسعه صادرات بر بیکاری کشورهای جهان مورد آزمون قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق هر چند به صورت کلی صادرات متغیری اثرگذار بر بیکاری در کشورهای جهان نیست؛ ولی در مورد تمام کشورها این موضوع مصداق ندارد به نحوی که اثر صادرات بر بیکاری در کشورهای جهان به صورت جداگانه بررسی گردد، در برخی کشورها اثر مثبت صادرات بر اشتغال قابل تأیید می باشد. همچنین صادرات متغیری اثرگذار بر بیکاری در ایران می باشد. بر اساس نتایج تحقیق می توان بیان نمود که با توجه به عدم واکنش یک سیاست در کشورهای مختلف لزوم اجرای سیاست های مختلف در کشورهای جهان به منظور بهره گیری از یک نتیجه واحد توصیه می گردد. بر این اساس در اقتصاد ایران پیشنهاد می گردد به منظور بهره مندی از فواید صادرات زمینه افزایش صادرات غیر نفتی جهت افزایش اشتغال فراهم گردد.

واژه های کلیدی: رونق صادرات، نرخ بیکاری، الگوی داده های تابلویی، اشتغال.

۱. مقدمه

مشکل بیکاری به صورت مسئله حاد کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران درآمده است. در واقع بیکاری مشکلی است که باعث عدم استفاده از نیروی فعال و قابل کار می‌باشد. اگر تجارت خارجی از طریق توسعه و رونق صادرات افزایش یابد به ایجاد فرصت‌های شغلی دارایی و کارایی بالاتر منجر می‌شود.

امروزه تجارت خارجی یکی از عوامل مهم در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود و ثروت کشورها را به گونه غیرقابل تصویری افزایش داده است. تجارت خارجی عاملی است که در شکل دادن محیط رقابتی نقش مهمی ایفا می‌کند. هرگونه بهبودی در وضعیت اشتغال کشورها به نرخ رشد اقتصادی، سرمایه گذاری صادرات، ساختار جمعیتی آموزش و رفتار دولت‌ها بستگی دارد. در چنین فضایی اگر کشوری از نظر صادرات روند رو به رشدی را اتخاذ کند توانایی آن را خواهد داشت تا بازار داخلی قدرتمند و کارا و مولد ایجاد کند که در آن هم منابع، توانایی تحرک لازم داشته باشند و هم اقتصاد نرخ رشد مناسبی را تجزیه کند. در این صورت نرخ رشد اقتصادی موجب افزایش و ایجاد فرصت شغلی جدید خواهد شد و تحولی را در بازار کار بوجود خواهد آورد (افروز، ۱۳۹۰). صادرات و اشتغال بخشی از مبحث مهم اقتصاد کلان سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی کشورها را به خود اختصاص داده است افزایش صادرات باعث افزایش تقاضا شده و دستمزدها و اشتغال نیز افزایش می‌یابد (عظیمی، ۱۳۷۹).

برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی یک کشور نیاز به شناخت عوامل موثر بر آن و تاثیر آن بر سایر عوامل و متغیرها می‌باشد، بر این اساس در این تحقیق ارتباط بین صادرات و بیکاری مورد آزمون قرار می‌گیرد تا بر اساس نتایج راهکارهای مقتضی برای رفع این معضل ارائه گردد.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری تحقیق حاضر در سه بخش مدل پایه دو بخشی، تقاضای نیروی کار و منحنی فیلیپس تقسیم شده است. در ابتدا مدل دو بخشی ساده تحلیل شده و بر طبق آن الگوهای کاربردی دنیای واقعی بررسی می‌گردد.

۱-۲- مدل دو بخشی پایه

فرض کنید X بخش صادرات و Y بخش واردات و L و K به ترتیب بیانگر نیروی کار و سرمایه باشند. هم چنین، فرض کنید که تعداد زیادی بنگاه در هر دو بخش اقتصاد وجود داشته باشد و چانه زنی در سطح اتحادیه‌های بنگاه‌ها صورت گیرد. تحرک کارگران در بین بخش‌ها آزاد بوده ولی سرمایه مخصوص هر بخش در نظر گرفته شده است، پس عامل تولید سرمایه در دو بخش را به صورت K_X و K_Y نشان می‌دهیم. تابع تولید برای یک بنگاه در بخش X به صورت $X = X(K_X, L_X)$ و در بخش Y به صورت $Y = Y(K_Y, L_Y)$ می‌باشد. همه بنگاه‌ها حداکثر سود کننده سود بوده و سود هر بنگاه به صورت زیر داده شده است:

$$\pi_X = PX - WL_X - r_X K_X \quad (1)$$

$$\pi_Y = WY - r_Y K_Y$$

در رابطه (۱)، w دستمزد و r قیمت سرمایه می‌باشد. کالای Y کالای شمارنده یا عددی بوده و قیمت کالای Y به یک نرمال شده است؛ p نیز به رابطه مبادله اشاره دارد.

صنعتی را در نظر می‌گیریم که در آن بین بنگاه‌ها تعامل استراتژیک وجود ندارد و ساختار بازار صنعت رانتی را ایجاد می‌کند که بین بنگاه‌ها و اتحادیه‌ها تقسیم می‌شود. حال یک بنگاه نمونه در بخش X را در نظر می‌گیریم که با اتحادیه‌های بنگاه‌ها روی قرار داد های دستمزد- اشتغال چانه زنی می‌کند برای سادگی، تصریح مک دونالد و سولو^۱ (۱۹۸۱) برای ترجیحات اتحادیه‌ها را در نظر می‌گیریم، که در آن اتحادیه‌ها شامل m کارگر همگن هستند که هر کدام مالک یک واحد زمانی کار می‌باشند.

قبل از مذاکرات دستمزد فعلی و اشتغال، مطلوبیت انتظاری یک کارگر به صورت زیر مشخص می‌شود:

$$EU = U(w) + (U(\omega) - U(W)) \max\{0, \frac{m-1}{m}\} \quad (2)$$

که در آن $U(0)$ صعودی و مقعر است؛ اگر کارگران شاغل باشند، W نرخ دستمزد است و دستمزد شرطی جایگزین آن با ω نشان داده می‌شود. وقتی $m > 1$ باشد، مجموعه‌ای از قراردادهای تولید را ماکزیمم می‌کند به وسیله معادله زیر مشخص می‌شود:

$$\frac{U(W) - U(\omega)}{U} = -\pi \quad (3)$$

به طور خاص، بر خلاف حالتی که m بالا باشد، کلیه کارگران احتمال عدم استخدامشان $\frac{m-1}{m}$ می‌شود. وقتی m پایین باشد کلیه اعضای اتحادیه‌ها استخدام می‌شوند، اتحادیه‌ها کاملاً دستمزد گرا بوده و $mU(w)$ را ماکزیمم می‌کند.

در صورتی که $PX_t = \omega$ ، $U(W) \cong U(W) + (\omega - W) U_W(W)$ یعنی نیروی کار تا زمانی استخدام می‌شوند که درآمد نهایی آنها مساوی دستمزد شرطی شود. به سادگی می‌توان نشان داد که دستمزد مذاکره‌ای مساوی می‌شود بارابطه ۴:

$$W = \omega \left(1 + \frac{\varphi(1-\eta)}{\eta} \right) \quad (4)$$

که در آن $\varphi \in (0, 1)$ نشان دهنده شاخص قدرت چانه زنی جمعی و η کشش سود خالص است. مهم‌تر از همه این که دستمزد توافقی بزرگتر از دستمزد شرطی می‌باشد.

در حقیقت، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا چانه زنی موثر است و یا اینکه آیا اتحادیه‌ها تنها روی دستمزد مذاکره می‌کنند، دستمزد مضربی از دستمزد شرطی می‌باشد.

^۱ -McDonald and Solow

نکته قابل توجه این است که این ویژگی در مدل‌های چانه زنی عجیب و غریب نیست. برای مثال بلانچارد و کاتز^۲ (۱۹۹۷) معتقدند که در مدل‌های دستمزد کارا، بنگاه‌ها به منظور کاهش هزینه‌های گردش مالی یا به منظور ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر کارگران، به کارگران دستمزدی بالاتر از دستمزد شرطی پرداخت می‌کنند.

مورتسن و پیزاردس^۳ (۱۹۹۴) معتقدند که در مدل‌های بازی، دستمزد همچنین به وسیله چانه زنی نش دوجانبه و تقسیم مازاد کل حاصل از یک بازی کار تعیین می‌شود. به طور خاص، کارگران دستمزدی بالاتر از ارزش دارایی‌های بیکار دریافت می‌کنند. یعنی؛

$$W = \omega \lambda \quad \lambda > 1 \quad (5)$$

اکنون مساله مهم این است که دستمزد شرطی بوسیله چه عواملی تعیین می‌شود. بلانچ فلور^۴ و همکاران (۱۹۹۶) استدلال می‌کنند که دستمزد شرطی می‌تواند به صورت تابع $\omega = \omega(w, B, u)$ در نظر گرفته شود که در آن W دستمزد رایج در بخش‌های دیگر اقتصاد می‌باشد، $(B < W)$ سطح درآمد زمان بیکاری (به عنوان مثال، مزایای بیکاری پرداختی بوسیله دولت) و U نرخ بیکاری آن دسته از کارگرانی است که بوسیله بنگاه‌ها استخدام شده است.

طبق مطالعه نیکل و لیارد^۵ (۱۹۹۹) حالت معقول دستمزد شرطی به صورت رابطه زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$\omega = UB + (1-u)W. \quad (6)$$

یعنی دستمزد شرطی به دستمزد‌های پرداختی بنگاه‌های دیگر و مزایای بیکاری بستگی دارد. این مقادیر با توجه به احتمال بیکار باقی ماندن و احتمال پیدا کردن شغل دیگر به وسیله افراد بیکار شده وزن داده می‌شود. در صورت عدم وجود ناهمگنی بین کارگران، این‌ها به ترتیب احتمال بیکاری و اشتغال بر کل اقتصاد می‌باشد.

۲-۲- تقاضای نیروی کار :

تقاضای نیروی کار به تعداد (نفر- ساعت) نیروی کار اشاره دارد که در دستمزد جاری بازار، کارفرمایان تقاضا می‌کنند. کارفرمایان، استخدام نیروی کار را به نحوی تنظیم می‌کنند که سود بنگاه حداکثر شود. نظریه‌های مطرح شده در رابطه با تقاضای نیروی کار را می‌توان از بعد ایستا و پویا مورد بررسی قرار داد.

^۲ -Blanchard and Katz

^۳ -Mortensen and Pissarides

^۴ -Blanchflower

^۵ -Nickell and Layard

نظریه های ایستا تقاضای نیروی کار را در یک مقطع زمانی مشخص و نظریات پویا، تقاضای نیروی کار را در شرایط رقابت کامل و رقابت ناقص و در حالت تعادل و عدم تعادل در بازار کار، مورد بررسی قرار می دهند. نظریه هایی که تقاضای نیروی کار رادر شرایط رقابت کامل بررسی می کنند، فقط نقش قیمت های عوامل تولید از جمله دستمزد نیروی کار را در تعیین اشتغال مورد توجه قرار می دهند.

همچنین نظریه هایی که تقاضای نیروی کار را در حالت رقابت ناقص مطرح می کنند علاوه بر اینکه به نقش قیمت های عوامل تولید توجه دارند به نقش اثرات تولید بر بیکاری و اشتغال نیز تاکید می کنند.

در اقتصادهای توسعه یافته، بیکاری در حدود چند درصد (۳ تا ۴ درصد) یک پدیده ای طبیعی و حتی به هنجار است و از آن گریزی نیست. ولی هنگامی که بیکاری برای مدت طولانی ارقام دورقمی را تجربه می کند، در این صورت حتما با مشکلی اساسی و ساختاری مواجه هستیم که باید به رفع این مشکل اقدام نمود. به ویژه هنگامی که بیکاری مزمن با تورم مزمن همراه گردد.

اگرچه در اقتصادهای معمول، دوپدیده تورم و بیکاری همزمان رخ نمی دهد. واقعیت وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران چنان است که با هیچ نوع آمار و ارقام غیر مستند نمی توان آن را نادیده گرفت.

سه دسته از نظریات راجع به بیکاری به طور کلی شامل:

۱- کینزین ها که استدلال می کنند علت عمده بیکاری مربوط به مشکلات بخش تقاضا است و چنان چه دولت سیاست های افزایش تقاضا را اتخاذ نماید نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت براساس نظریه عمومی کینز که در دهه ۱۹۳۰ بیان شد برخی کشورها از جمله آمریکا و انگلستان موفق شدند نرخ بیکاری بالای دهه ۱۹۳۰ را کاهش دهند برای مثال انگلستان نرخ ۲۵٪ بیکاری را به ۶٪ کاهش داد.

۲- کلاسیک ها و کلاسیک های جدید استدلال می کنند که به دلیل کامل بودن بازارها بیکاری نمی تواند به صورت اجباری وجود داشته باشد و معتقدند اگر بازارها بدون دخالت دولت و آزادانه بتوانند فعالیت کنند از طریق کاهش دستمزدها بیکاری پدید نخواهد آمد.

۱- بنیادگراها معتقدند بیکاری واکنش یک اقتصاد پویا به تغییرات تکنیکی است و تغییرات تکنولوژی باعث پدید آمدن بیکاری می گردد.

مهم ترین علت های بیکاری در ایران :

-رشد بی رویه شهرها

-آزاد شدن بخش قابل توجهی از نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی و عدم جذب نیروی مازاد توسط سایر بخش ها

-رشد ناهماهنگ شهر و روستا

-ماهیت رشد صنایع در ایران و عدم رشد صنایع مادر و مکمل

-مشکلات و ایرادات موجود در قوانین سرمایه گذاری مالکیت و کار و شوراها اسلامی

-در سال ۷۷ از عوامل اصلی بیکاری در ایران افزایش شدید عرضه نیروی کار که حاصل عوامل رشد بالای جمعیت طی دهه ۶۰ بوده نیز قابل بیان می باشد.

۳-۲- منحنی فیلیپس

منحنی فیلیپس در علم اقتصاد نشان دهنده ارتباط میان نرخ تورم و بیکاری است این منحنی بیان می‌کند که نرخ بالای اشتغال با نرخ بالای تورم رابطه معکوس دارد. به این معنا که در کوتاه مدت برای کاهش نرخ بیکاری می‌بایست نرخ بالاتر تورم را بپذیریم در حالی که در سال ۱۹۶۸ میلتون فرید من نشان داد که این رابطه برای بلند مدت صحیح نیست.

منحنی فیلیپس یک مدل تجربی تک معادله ای است که پس از توصیف رابطه معکوس تاریخی نرخ های بیکاری و نرخ های متناسب با تورم در اقتصاد توسط ای دبلیو فیلیپس نامگذاری شد. به بیان ساده کاهش بیکاری (یعنی افزایش میزان اشتغال) در یک اقتصاد با نرخ های بالاتر تورم همبستگی خواهد داشت در حالیکه مبادله کوتاه مدتی بین بیکاری و تورم وجود دارد، در بلند مدت این مبادله مشاهده نشده است.

فرید من اظهار داشت که منحنی فیلیپس فقط در کوتاه مدت قابل استفاده است و اینکه در بلند مدت، سیاست های تورمی بیکاری را کاهش نخواهد داد. فریدمن سپس به درستی پیش بینی کرد که در رکود تورم و بیکاری افزایش خواهد یافت. منحنی فیلیپس بلند مدت اکنون به عنوان یک خط عمودی در نرخ طبیعی بیکاری تصور می شود که در آن نرخ تورم تاثیری بر بیکاری ندارد.

بیماری هلندی یک مفهوم اقتصادی است که تلاش می‌کند رابطه ی بین بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی و رکود در بخش صنعت را توضیح دهد. این مفهوم بیان می‌دارد که افزایش درآمد ناشی از منابع طبیعی می‌تواند اقتصاد ملی را از حالت صنعتی بیرون بیاورد این اتفاق به علت کاهش نرخ ارز و یا عدم افزایش آن در حد نرخ تورم صورت می‌گیرد که بخش صنعت رادر رقابت ضعیف می‌کند در حالیکه این بیماری اغلب مربوط به اکتشاف منابع طبیعی می‌شود، می‌تواند به هر فعالیت توسعه ای که نتیجه اش ورود بی رویه ارز خارجی می‌شود مربوط شود مانند نوسان شدید در قیمت منابع طبیعی، کمک اقتصادی خارجی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی.

هنگامی که پول یک کشور با افزایش قابل توجه ارزش روبرو شود، صادرات این کشور به پول کشورهای دیگر گران تر شده، ولی واردات به آن کشور به نسبت ارزان تر می‌شود به طور کلی این وضعیت را بیماری هلندی می نامند. مطرح شدن منحنی فیلیپس برای کامل کردن تحلیل های IS-LM کینزی و برطرف کردن نقص اساسی مدل های اولیه کینزی در عدم توجه به بخش عرضه و تولید اقتصاد مطرح شد. در مدل های IS-LM هرگونه افزایشی در تقاضای کل منجر به افزایش سطح تولید و درآمد حقیقی می‌شود و گرچه با تغییر نرخ بهره بخش پولی اقتصاد نیز در تحلیل گنجانده می‌شود، اما جایی برای بررسی اثر این افزایش تقاضای کل بر روی قیمت ها و دستمزدها دیده نشده بود.

باتوجه به اینکه منحنی فیلیپس قبل از معرفی مدل های عرضه کل و تقاضای کل وارد ادبیات اقتصاد کلان شد. پس تحلیل منحنی فیلیپس یک تلاش مقدماتی برای گنجاندن بخش عرضه در مدل LM-IS محسوب می‌شود که صرفا بخش تقاضا را در نظر می‌گرفت در مدل های ساده LM-IS استدلال می‌شود که با افزایش تقاضای کل چه بر اثر سیاست پولی و مالی و چه بر اثر افزایش مصرف و سرمایه گذاری مستقل یا کاهش تقاضای مستقل پول، سطح تولید درآمد ملی حقیقی افزایش می‌یابد که قطعا به معنی افزایش اشتغال نیز هست و در نتیجه مقدار بیکاری و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، بدون آنکه بر قیمت ها و دستمزدها تاثیر بگذارد. (سلیم خلیلی ۱۳۹۲)

عامل اساسی و تعیین کننده مزیت نسبی کشورها را به وفور نسبی عوامل تولید (زمین، منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) می - داند. بنابراین کشوری که سرمایه نسبتا فراوانی در اختیار دارد. در تولید کالاهای سرمایه بر تخصص یافته و به صادرات آن اقدام خواهند نمود و در مقابل کشوری که نیروی کار نسبتا فراوانی تری دارد با یافتن تخصص در تولید کالاهای کاربر نسبت به صادرات آنها اقدام می‌کند.

بر اساس این نظریه کشور های توسعه یافته در تجارت خود با کشور های در حال توسعه کالاهای و خدمات متکی بر نیروی کار ماهر صادر و در مقابل کالا ها و خدمات متکی بر نیروی کار کم مهارت را وارد می کند. در کشورهای با دستمزدهای انعطاف پذیر افزایش تجارت در کشور های در حال توسعه به کاهش دستمزد نسبی کارگران کم مهارت منجر خواهد گردید و در کشورهایی که دستمزدها انعطاف ناپذیر بیشتری دارد افزایش تجارت با کشورهای در حال توسعه عمدتاً به بیکاری بیشتر کارگران کم مهارت می انجامد. (تجارت بین الملل ص ۱۴۹)

تا زمانی که در فروش و صادرات کالا رونقی نداشته باشیم در تولید موفق نخواهیم شد تعداد بیکاران زیادی در جامعه وجود دارد اما به نسبت آن کار ایجاد نشده است به بیان بهتر میزان تولید کالا و خدمات شرکت ها و بنگاه های بزرگ و کوچک زیاد نیست.

به طور کلی تجارت بر رشد اقتصادی موثر بوده مخصوصاً کشور هایی مانند ایران که با نرخ بیکاری بسیار بالایی مواجه هستند می توانند از استراتژی توسعه صادرات به نفع نیروی کار بهره ببرند به این معنی که با وجود نیروی کار ارزان تولیدات کاربر در مقایسه با تولیدات سرمایه بر توسعه و گسترش یافته و نرخ اشتغال بالاتری را رقم می زند چرا که استراتژی توسعه مبتنی بر تشویق صادرات توزیع درآمد را به نفع عوامل تولید به کار گرفته شده در بخش صادرات متوازن می کند.

مطابق با نظریات رشد از الزامات دستیابی به نرخ رشد بالقوه هر کشوری کاهش بیکاری است به گونه ای که رشد اقتصادی توأم با اشتغال کامل شده و در بلند مدت به همراه ذخیره سرمایه به سطوح بالاتر انتقال می یابد.

بنابراین یکی از مهم ترین مزایای استراتژی توسعه مبتنی بر صادرات در اقتصاد کشورهایی با نیروی کار فراوان آن است که این امکان را فراهم می سازد تا رشد روی فعالیت ها اشتغال را متمرکز شود.

با افزایش درآمدهای صادراتی میزان تقاضای نیروی کار که از تعامل ارزش تولید نهایی نیروی کار متناسب با دستمزد پرداختی تعیین می شود، افزایش می یابد. در نتیجه دستمزدهای پرداختی متناسب با بهره وری نیروی کار تعیین می شود (چرا به توسعه صادرات نیازمندیم).

رشد شتابان تجارت آزاد در دنیای امروز شرایط را برای رشد و پویایی صنایع کشورهای در حال توسعه به طور روزافزونی تنگ تر نموده است. کشورهای در حال توسعه جهت توفیق در رشد تولید و صادرات تحت قیود تجارت آزاد چاره ای جز به کارگیری تکنیک های تولیدی پیشرفته تر و صرفه جویی در هزینه های تولیدی خود ندارند در این میان تولید و صادرات صنایع با فناوری بالا از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

صادرات کالا و خدمات نقش مهمی در اقتصاد و کاهش بیکاری کشورها دارد. با رونق گرفتن تجارت همه کشورهای دنیا تلاش می کنند که با اتخاذ سیاست های مناسب این موتور اقتصادی را فعال تر نمایند.

بنابراین، رقابت در عرصه تجارت افزایش یافته که در این میان کشورهایی که دارای یک استراتژی مشخص و دورنمایی از صادرات محصولات خود بوده اند موفق تر عمل کرده اند (آرند و اساواد، ۱۹۹۵).

رشد صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال شده و با فراهم آوردن امکان بهره گیری از صرفه های مقیاس، بهره گیری از تکنولوژی های پیشرفته، امکان تخصیص بهینه منابع و افزایش رقابت در تولید محصولات می تواند موجب افزایش بهره وری کل عوامل تولید و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر (ادواردز، ۱۹۹۸).

با توجه به بحث رشد صادرات و رشد اقتصادی، موضوع تنوع صادرات مورد توجه بسیاری از سیاستگذاران قرار گرفته است که منظور از آن افزایش تعداد کالاهای صادراتی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی است. به بیان دیگر هر چه ترکیب و تمرکز کالاهای صادراتی یک کشور در تعداد بیشتری از کالاهای صادراتی باشد، گفته می شود که صادرات آن کشور متنوع تر است.

در سال های اخیر متنوع سازی صادرات در کشور های در حال توسعه که عمدتاً بر صادرات تک محصولی متکی بوده اند در اولویت سیاست گذاری قرار گرفته است.

۳-پیشینه مطالعات تحقیق

منکیو (۲۰۰۶) بیان می کند که صادرات، کالا و خدماتی است که در کشور تولید می شود سپس در خارج از کشور فروخته می شود. فعالیت صادراتی یک کشور به دلیل عرضه بیش از حد و تقاضای اضافی از یک کشور با کشور دیگر است به این دلیل که سطح قیمت یک محصول بالاتر از قیمت تعادلی در بازار است در حالیکه تقاضای اضافی به دلیل سطح قیمت پایین تر از قیمت تعادلی رخ می دهد.^۶

چنری و همکاران (۱۹۸۶) در اقتصاد کره جنوبی نشان دادند که صادرات منبع مهم رشد اقتصادی است و تاثیر گسترش صادرات در اشتغال در دوره ۱۹۷۵-۱۹۸۵ در اقتصاد این کشور، حدود ۳۰٪ بوده است.

جعفری هرندي (۱۳۷۹) در مطالعه خود تحت عنوان صادرا غیر نفتی و اشتغال به بررسی ارتباط میان صادرات غیر نفتی و اشتغال در ایران طی دوره زمانی (۱۳۳۷-۱۳۷۶) پرداخته است نتایج به دست آمده از برآورد مدل، فرضیه این تحقیق مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی دار بین صادرات غیر نفتی و اشتغال را تایید می کند.

صادرات از دو طریق بر بیکاری تاثیر گذار است:

۱-افزایش تولید و نیاز به استخدام نیروی کار

۲-تاثیر بر دستمزد و تقاضای نیروی کار در ضمن میزان تاثیر گذاری صادرات به بیکاری به کاربر یا سرمایه بر بودن کالاهای صادراتی نیز بستگی دارد (تحلیل توسعه صادرات به اشتغال - علیرضا انیسی ۱۳۹۱).

در مطالعه ای که توسط کرمانی (۱۳۸۹) انجام گرفته است به بررسی اثر اشتغال در بخش صادراتی بر رشد اشتغال شهرها در ایران با استفاده از نظریه رشد مبتنی بر صادرات پرداخته است. براساس این نظریه رشد مبتنی بر صادرات، رشد اشتغال در شهرها تابعی از میزان اشتغال در بخش هایی است که محصولات خود را به منظور صادرات تولید می کنند. نتایج حاصل از برآورد مدل در این مطالعه نشان می دهد که افزایش اشتغال در بخش صادراتی اثر مثبت و معناداری روی اشتغال محلی و اشتغال کل در شهرستان های کشور دارد و تغییرات اشتغال در بخش صادراتی می تواند بخشی از تغییرات اشتغال محلی و کل را در شهرستان ها توضیح دهد

۴-معرفی داده ها والگوی پژوهش :

در این مطالعه به منظور آزمون فرضیه تحقیق که بررسی نحوه اثرگذاری رونق صادرات بر بیکاری می باشد، نمونه زیر تخمین زده می شود:

$$U_{igt} = \alpha_0 + \alpha_1 TOT_{igt} + \alpha_2 PRT_{igt} + \alpha_3 GDP_{igt} + \alpha_4 INF_{igt} + \alpha_5 EX_{igt} + \varepsilon_{igt}$$

که در این رابطه :

^۶(Breckova, ۲۰۱۶; Duguleana and Duguleana, ۲۰۱۵; Fafaliou and Salamouris, ۲۰۱۴)

نرخ بیکاری، TOT: بیانگر رابطه مبادله، PRT: نرخ مشارکت، INF: نرخ تورم، EX: صادرات

GDP: تولید ناخالص داخلی و در نهایت ε جز اخلاص می‌باشد. همچنین I نشان دهنده مقاطع و t دوره زمانی را نشان می‌دهد.

نرخ بیکاری تابعی از رابطه مبادله، نرخ تورم، صادرات، نرخ مشارکت و تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود.

اطلاعات مربوط به متغیرها از داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج شده است. داده‌ها در این بررسی به صورت سالانه بوده و از داده‌های تابلویی ۱۴۳ کشور جهان در بازه زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۰ بر مبنای حداکثر اطلاعات موجود از بانک جهانی استفاده شده است.

۵- روش تحقیق:

از آن جایی که روش‌های اقتصادسنجی کارآمد و متناسب با ویژگی‌های داده‌های آماری در دستیابی به نتایج سازگار و قابل اعتماد از اهمیت خاصی برخوردار است. در انجام تمام مراحل این تحقیق سعی شده از روش‌ها و معیارهای اقتصادسنجی که متناسب با شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری مورد مطالعه باشد استفاده گردد. نتایج این مطالعه با استفاده از روش داده‌های تابلویی و برنامه Eviews تخمین زده شده است.

۶- نتایج تجربی مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

داده‌های تابلویی ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی می‌باشند، یعنی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی را در طول زمان مشاهده می‌کنیم. واضح است که چنین داده‌هایی دارای دو بعد می‌باشند که یک بعد آن مربوط به واحد‌های مختلف در هر مقطع زمانی خاص است و بعد دیگر آن مربوط به زمان می‌باشد. در ابتدا اعتبار استفاده از داده‌های پانل را مورد آزمون قرار می‌دهیم. به عبارت دیگر آیا کشورهای مورد بررسی همگن می‌باشند یا خیر. در صورتیکه کشورها همگن بوده باشند ضرورت استفاده از روش پانل ایجاب می‌گردد. به عبارت دیگر از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

مدل مقید

مدل غیرمقید

فرضیه صفر پانل بودن را مورد بررسی قرار می‌دهد. آماره آزمون F برای این مطالعه عبارت خواهد بود از:

Redundant Fixed Effects Tests
Pool: POOL01
Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	18.991123	(142,1625)	0.0000
Cross-section Chi-square	1734.260249	142	0.0000

با مقایسه F محاسباتی فوق با مقدار بحرانی جدول درمی‌یابیم که فرضیه صفر مبتنی بر لزوم بررسی مطالعه حاضر به صورت پانل مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای مدل پانل داده‌ها استفاده از الگوی اثرات ثابت مبتنی بر متغیرهای مجازی است که در آن

تنها مشخصه های کشوری در طول زمان ثابت هستند. نتیجه آزمون آزمون هاسمن در این مطالعه با خطای آماره t ۰,۰۰۴۶ می باشد.

بر این اساس نتایج تخمین عوامل مؤثر بر بیکاری با استفاده از الگوی داده های تابلویی در کشورهای جهان طی دوره زمانی ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۷ می توان بیان نمود که شاخص صادرات (EX) به عنوان متغیر اصلی مورد بحث، اثر بی معنی بر بیکاری در کشورهای جهان داشته است. همچنین متغیر رابطه مبادله (TOT) اثر منفی ولی معناداری بر بیکاری دارد به گونه ای که ضریب منفی این متغیر نشان دهنده این است که رابطه معکوسی بین رابطه مبادله و نرخ بیکاری وجود دارد. با فرض ثابت بودن سایر عوامل، به ازای یک درصد افزایش در این متغیر، نرخ بیکاری ۱۸/۱ درصد کاهش می یابد بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود یک رابطه منفی و معنا دار بین رابطه مبادله و نرخ بیکاری تایید می شود. این در حالی است که متغیر تورم (INF) اثر معناداری بر نرخ بیکاری کشورهای جهان ندارد. همچنین متغیر نرخ مشارکت (PRT) اثر منفی ولی معناداری بر بیکاری دارد. و در نهایت متغیر تولید ناخالص داخلی (GDP) اثر مثبت و در سطح معنی داری ۱۰ درصد تاثیر معناداری بر بیکاری دارد.

تخمین شماره (۱): در حالت کلی

Dependent Variable: UNEMP_?				
Method: Pooled Least Squares				
Date: 12/23/18 Time: 08:39				
Sample (adjusted): 1990 2016				
Included observations: 27 after adjustments				
Cross-sections included: 143				
Total pool (unbalanced) observations: 1773				
Cross sections without valid observations dropped				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	11.54509	1.367719	8.441129	0.0000
TOT_?	-1.81E-14	5.04E-15	-3.590907	0.0003
INF_?	-0.000649	0.000383	-1.697942	0.0897
PART_?	-0.049199	0.021940	-2.242427	0.0251
GDP_?	4.659494	2.463323	1.891548	0.0587
EX_?	-1.11E-14	1.19E-12	-0.009309	0.9926
Fixed Effects (Cross)				
AFG--C	5.460280			
ALB--C	6.166578			
DZA--C	16.27221			
ATG--C	-0.553982			
ARG--C	6.348825			
ARM--C	0.430070			
AUS--C	-2.253608			
AUT--C	-2.675794			
AZE--C	0.025991			
BHS--C	-0.160949			

متغیرهای استفاده شده در این مطالعه عبارتند از: نرخ بیکاری که از تقسیم جمعیت بیکار به جمعیت فعال به دست آمده است رابطه مبادله (TOT) که از رابطه زیر به دست آمده است و با تاسی از گاستون و راجاگورو (۲۰۱۳) به عنوان جایگزین رونق صادراتی در نظر گرفته شده است.

$$TOT = \frac{\frac{NX}{X}}{\frac{NM}{M}}$$

که در آن NX ارزش صادرات بر حسب میلیون دلار، X مقدار صادرات بر حسب هزار تن، NM ارزش صادرات بر حسب میلیون دلار، M مقدار واردات بر حسب هزار تن.

در ادامه به منظور بررسی نقش رونق صادرات بر بیکاری در کشورهای جهان اثرگذاری این متغیر در کشورهای مختلف به صورت مجزا بررسی شده و نتایج بر طبق جدول زیر ارائه می گردد. اگر اثر بخشی متغیر صادرات به تفکیک کشور های مختلف بررسی گردد در برخی کشورها این متغیر بر روی بیکاری تاثیر مثبت، در برخی کشورها تاثیر منفی و در سایر کشورها بدون اثرگذاری معنی دار می باشد این در حالی است که متغیر صادرات بر روی بیکاری در اقتصاد ایران دارای اثرگذاری مثبت و معنی دار می باشد.

تخمین شماره (۲): در حالت مجزا

Dependent Variable: UNEMP_?
Method: Pooled Least Squares
Date: 12/17/18 Time: 14:17
Sample (adjusted): 1990 2016
Included observations: 27 after adjustments
Cross-sections included: 143
Total pool (unbalanced) observations: 1773
Cross sections without valid observations dropped

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
TOT_?	-1.58E-14	5.71E-15	-2.763904	0.0058
INF_?	-0.000304	0.000410	-0.742462	0.4579
PART_?	0.127418	0.005067	25.14799	0.0000
GDP_?	2.236590	2.684549	0.833134	0.4049
AFG--EX_AFG	2.45E-09	4.69E-10	5.231031	0.0000
ALB--EX_ALB	2.56E-09	4.24E-10	6.033264	0.0000
DZA--EX_DZA	4.33E-10	3.66E-11	11.81369	0.0000
ATG--EX_ATG	5.07E-10	8.48E-09	0.059830	0.9523
ARG--EX_ARG	1.33E-10	1.56E-11	8.538032	0.0000
ARM--EX_ARM	1.75E-09	2.26E-09	0.772212	0.4401
AUS--EX_AUS	-9.02E-12	4.75E-12	-1.897876	0.0579
AUT--EX_AUT	-1.08E-11	5.96E-12	-1.818344	0.0692
AZE--EX_AZE	8.37E-11	6.75E-11	1.240038	0.2151
BHS--EX_BHS	-7.87E-10	4.15E-10	-1.897194	0.0580
BHR--EX_BHR	-1.53E-10	1.08E-10	-1.415562	0.1571
BGD--EX_BGD	-2.20E-09	1.49E-09	-1.477160	0.1398
BRB--EX_BRB	-3.90E-09	2.51E-09	-1.552673	0.1207
IND--EX_IND	-4.90E-12	3.19E-12	-1.534138	0.1252
IDN--EX_IDN	8.55E-12	6.57E-12	1.301467	0.1933
IRN--EX_IRN	7.22E-11	1.72E-11	4.188127	0.0000
ISR--EX_ISR	1.72E-11	1.47E-11	1.170367	0.2420

نام متغیرهای مستقل	شیب	انحراف معیار	آماره t	خطای آماره t
TOT	E-۱۴۱,۸۱	E-۱۵۵,۰۴	۳,۵۹۰۹۰۷-	۰/۰۰۰۳
INF	-۰,۰۰۰۶۴۹	۰,۰۰۰۳۸۳	-۱,۶۹۷۹۴۲	۰/۰۸۹۷
PRT	-۰,۰۴۹۱۹۹	۰,۰۲۱۹۴۰	-۲,۲۴۲۴۲۷	۰/۰۲۵۱
GDP	۴,۶۵۹۴۹۴	۲,۴۶۳۳۲۳	۱,۸۹۱۵۴۸	۰/۰۵۸۷
EX	-۱,۱۱E-۱۴	۱,۱۹E-۱۲	-۰,۰۰۹۳۰۹	۰/۹۹۲۶
C	۱۱,۵۴۵۰۹	۱,۳۶۷۷۱۹	۸,۴۴۱۱۲۹	۰/۰۰۰۰

۷- نتیجه گیری و پیشنهادات:

بر اساس نتایج تحقیق و با استفاده از داده های تابلویی کل کشورهای جهان در دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ متغیر صادرات تاثیری بر اشتغال و بیکاری نداشته است این در حالی است که اگر اثر بخشی متغیر صادرات به تفکیک کشور های مختلف بررسی گردد در برخی کشورها این متغیر بر روی بیکاری تاثیر مثبت، در برخی کشورها تاثیر منفی و در سایر کشورها بدون اثر گذاری معنی دار می باشد این در حالی است که متغیر صادرات بر روی بیکاری در اقتصاد ایران دارای اثرگذاری مثبت و معنی دار می باشد بنابراین دو پیشنهاد اساسی از نتایج تحقیق قابل ارائه است :

پیشنهاد اول اینکه با توجه به عدم ساختار یکسان اقتصاد در کشورهای جهان یک الگوی مشخص برای رفع مشکلات اقتصادی نظیر بیکاری وجود ندارد بنابراین الگو برداری از نظریات توسعه به عنوان قانون جهان شمول اشتباه بزرگی در سیاست گذاری است .

پیشنهاد دوم آن است که با توجه به ارتباط معکوس و بی معنی صادرات و بیکاری می توان با ارتقاء زیرساخت های صادرات از جمله: ساخت اسکله، خطوط حمل و نقل کارآ و ایمن و همچنین تسهیل مقررات صدور کالا ضمن بهره گیری از عواید صادرات زمینه اشتغال بیشتر و کاهش سطح بیکاری را فراهم نمود .

منابع:

- سالواتوره (کتاب)، دومینیک. تجارت بین الملل. ترجمه حمیدرضا ارباب، ویراست نهم، نشر نی. صص: ۲۳-۷۶، آبان ۱۳۹۵.
- رحمانی (کتاب)، تیمور. اقتصاد کلان، جلد دوم، چاپ دهم، پاییز ۱۳۸۷.
- شهبازی، کیومرث و شهربانو نظریور (۱۳۹۳). " بررسی تاثیر رونق صادراتی بر بیکاری در ایران "، فصلنامه علمی-پژوهشی، مطالعات اقتصادی کاربردی سال سوم، شماره ۱۱.

خالدی، کوهسار و مریم اردستانی و ماندانا طوسی. (۱۳۸۶). " بررسی رابطه رشد اقتصادی، اشتغال و صادرات در بخش کشاورزی (با تاکید بر سیاست‌های ارزی و تجاری)" ، اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی) سال اول، شماره ۳، صص: ۱۱۱-۱۲۳.

افروز زاده (۱۳۹۰). " مطالعه آزاد سازی تجارت خارجی بر اشتغال بخش اقتصادی " ، ماهنامه کار و جامعه شماره ۴۱-۵۶-۱۳۶. کاظمی زاده ، غلامرضا. (۱۳۷۹) . " بررسی و تحلیل منحنی فیلیپس و تعیین نرخ طبیعی بیکاری در ایران ". مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷.

Breckova, P. ۲۰۱۶. SMEs Export Activities in the Czech Republic and Export Risk Insuring. European Research Studies Journal, ۱۹(۱), ۸۴-۹۲.

Danquah, A., Yeboah and Nimsaah, K.W. ۲۰۱۴. The Effects of Exchange Rate on Ghana's External Trade, British Journal of Economics, Finance and Management Sciences ۴۸, ۹(۱), ۴۸-۶۹.

Duguleana, C., Duguleana, L. ۲۰۱۵. Estimation of Economic Growth Potential in Romania, on Medium and Long Term. International Journal of Economics and Business Administration, ۳(۳), ۳-۱۲.

Fafaliou, I., Salamouris, I. ۲۰۱۴. Analyze Female Entrepreneurship: Evidence from Greece. International Journal of Economics and Business Administration, ۲(۱), ۲۱-۳۸.